

مقایسه جایگاه فقهی ارث زن در ادیان ابراهیمی

فاطمه مرتضی

محمود رضا محمد دوست

چکیده:

ادیان یهودیت و مسیحیت در مساله جایگاه حقوق زنان، از لحاظ حقوق مالی به خصوص حق ارثیه زن، اتفاق نظر دارند که با استناد به کتاب و اسفار تورات و کتب اناجیل به طور کلی زن از ارث بردن محروم است. در حالی که دین اسلام در پی برابری بسیاری از حقوق زن و مرد از جمله حقوق مالی می باشد. خداوند در قرآن ضمن اهمیت به حق ارث زنان (مادر، همسر، دختر و خواهر) به جزئیات آن اشاره کرده است.

مقدمه

در دنیای قدیم، زن یک تاریک پرماجرا و درد آلود بوده و در زمان های از تاریخ بشر، زن مانند کالا قابل فروش و معامله بود و در عقاید تحقیرآمیز در مورد زن در میان اقوام و ملل و قبایل وحشی آنها زن به حدی که یک حیوان و یک برده بی هویت و شخصیت معتبر بودند تا قرون گذشته نه چندین دور در دیانت یهودیت و مسیحیت زن به عنوان مخلوقی از دنده ادم محسوب بودند و در گاهی اوقات اختلاف در مورد زن که دارای نفس ناطق ایجاد کردند یا نه و عموماً زن در این دوتا دین الهی از بیشتر حقوقش محروم بود.

اما با ظهور اسلام محمدی اصیل همه این اعتقادات و قوانین و احکام تاریک و ظالمانه از بین رفت و محو شد و دیانت اسلام اولین نظام حقوقی جهانی ایجاد کرد که به زنان در تمام عرصه ها مانند {اقتصادی، مالی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، تحصیلی ...} حقوق اقرار و اعطا کرد و در ضمن آن حق ارث زن است که در قرآن کریم بر عکس احکام نماز و صیام.... که فقط به طور کلیات را صحبت می کند اما در مورد ارث زنان بسیار مفصل و جزئی مشخص و اشاره می کند. در این نظام حقوقی زن و مرد در تمام حقوق یکسان و برابر هستند زیرا این دین عموماً انسان را مورد حمایت قرار می دهد و نه برای یک جنس یا فرد یا گروه معینی به وجود آمد لذا قرآن کریم این درباره مساله تاکید و تشدید می کند و آیات متعددی درباره اهمیت شخصیت حقوقی زنان و برابری با مردان نازل شد؛ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (نساء، ۷)، که در این ایه شریفه خداوند سبحان به طور مشخص فاصله و جدایی بین واژه "رجال" و واژه "نساء" قرار می دهد که دلالت بر اهمیت هم کسب و ارث بردن مردان می کند و هم زنان. و این ایه کریمه به شدت بر خلاف رسوم و احکام جاهلیت که زن از ارث بردن محروم می کرد، بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شد.

سنت پیامبر (ص) عدالت، مهربانی و نیک رفتاری با زنان را توصیه نموده و در حدیثی از ایشان نقل شود که:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَئِيمٌ؛ [نهج الفصاحه، ح ۱۵۲۰].

بهترین شما کسی است که برای خانواده اش بهتر باشد، و من از همه شما برای خانواده ام بهترم. زنان را گرامی نمی دارد، مگر انسان بزرگوار و به آنان اهانت نمی کند، مگر شخص پست و بی مقدار.

در ادامه مقاله بیشتر در احکام ارث توضیح خواهیم داد .

جایگاه زن در آثار ادیان ابراهیمی

معلوم است که در ادیان الهی غیر از اسلام در شریعت یهود بحث حقوق مالی زنان مبتنی بر محرومیت آن از ارث بری است. و با استناد به قوانین ارث کتاب مقدس یهود در باب ۲۷ از ایه ۱ تا ۱۱ این قضیه مفصلاً بیان شده است. در ایه ۸ از باب ۲۷ سفر اعداد چنین آمده است: و بنی اسرائیل را خطاب کرده، بگو: اگر کسی بمیرد و پسری نداشته باشد، ملک او را به دخترش منتقل کنید (کتاب مقدس: ۲۵۳).

این ایه به شکل صریح بیان می کند که دختر یا خواهر هیچ بهره ای از ارث پدرش نمی گیرد در حالی که برادرش هست . بنابراین مرد یا جنس مذکر دارای اولویت ارث بردن در دین یهودیت به شمار می رود. پدر برادر و همسر همیشه در طبقه اول از ارث متوفی قرار می گیرند. کتاب مقدس تورات منصوص است بر هرگاه شخصی فوت کند و پدر و مادر او زنده باشند، پدر به تنهایی در طبقه دوم وراثت قرار می گیرد؛ ولی مادر با محرومیت کلی از ارثیه فرزندش مواجه می شود و اگر وراثت متوفی تنها پدر و مادر باشند نیز، تنها پدر از ترکه فرزندش ارث می برد و مادر به طور کلی در هیچ یک از طبقات ارث قرار نمی گیرد (ر.ک: بند اول ماده هفتم مقررات اصلاحی ارث کلیمیان جهان، مصوب ۱۳۵۵).

در صورتی که پدر (متوفی) دارای فرزند پسر و یا حتی نوادگان پسری باشد، دختر بهره ای از ارثیه پدر نخواهد داشت .

ولی دخترانی که در زمان حیات پدر به خانه شوهر نرفته اند، تا زمانی که شوهری برای آنها پیدا نشده، برادران موظفند که تمام مخارج و لوازم تعلیم و تربیت آنها را به عهده بگیرند و هنگامی که می خواهند به خانه شوهر بروند به آنان جهیزیه بدهند؛ به مقداری که جهیزیه هریک از دختران، نباید کمتر از یک دهم سهم ارث پسران باشد و پدران می توانند، بر حسب وصیت، سهم ارث دختران خود را نصف سهم پسران تعیین کنند (تورات، سفر اعداد، باب ۲۷، آیه ۸؛ راب.ا. کهن، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، ص ۳۴۸؛ یوسف بهنود، احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه، صص ۴۳-۴۴).

اگر چه زن، در طبقه اول از وراثت شوهر قرار دارد، ولی این امر در صورتی است که همسر، اولادی نداشته باشد؛ اما اگر دارای اولاد باشد، تنها حق دارد مهریه و جهیزیه خود را (که در واقع اموال خود اوست) مالک گردد و در صورتی که اولاد نداشته باشد، علاوه بر مهریه و جهیزیه، یک چهارم ترکه شوهر را به ارث می برد (فهیمی، ۱۳۸۱: ۲۶۲-۲۳۷).

با مطالعه در دین یهود با فهرستی از محرومیت های زن در ارث روبه رو می شویم که محور اصلی آنها عبارت است از: ملاک قرار دادن نسبت پدری در بهره مندی از ارث و محروم کردن منسوبان مادری، ترجیح مردان بر زنان در میان منسوبان مادری و محرومیت کلی مادر و جزئی همسر از ارث. اگر چه در بعضی از مقررات متأخر یهودیان، برخی اصلاحات در این موارد صورت گرفت، ولی وضعیت کلی محرومیت زنان از ارث همچنان به قوت خود باقی مانده است .

همچنین در آیین حضرت مسیح علیه السلام نیز قانون تورات معتبر است؛ زیرا طبق نقل أناجیل موجود، مسیح علیه السلام گفته است که: "من نیامده ام تا چیزی از احکام تورات را تغییر دهم". بنابراین، در کتب و رسائل مذهبی موجود آنها، بحثی درباره ارث نمی یابیم. تنها در چند مورد، از مشتقات کلمه ارث سخن گفته شده که همگی در باره ارث معنوی یا اخروی است. بنابراین کشیشان آن از قوانین یهود پیروی می کنند. پس در این جا هم دختران ارثی نمی برند.

در مقابل دین اسلام همان که در مقدمه اشاره کردیم که بحث ارث زنان در قرآن کریم بسیار مهم است که به شکل مفصل توضیح می شود. در این مورد قرآن مبین برای حفظ حقوق زنان فروض ششگانه برای وارث بیان می کند که در فرض اول حق ارث دختر و خواهر و همسر بیان شده و عبارت است از نصف ما ترک المیت که دختر می تواند بدون وجود فرزندی غیر از او ارث بگیرد؛ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ (نساء، ۱۱). همچنین در این فرض اگر مردی از دنیا برود که فرزندی نداشته باشد و برای او خواهری می باشد نصف اموالی را که به جا گذاشته از آن اوست؛ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ (نساء، ۱۷۶). و کذلک در صورتی که همسر فاقد فرزند باشد {وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ (نساء، ۱۲)}.

در فرض دوم {یک چهارم} شامل مال زوجه است که شوهر فرزندی نداشته باشد؛ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ (نساء، ۱۲) و اینجا روایت از امام باقر (ع) نقل شده که: {از زنی که بمیرد و شوهرش زنده باشد و غیر او وارثی نداشته باشد، پرسیدم. فرمود: وقتی که غیر او وارثی نباشد، همه مال، سهم اوست، ولی اگر شوهر بمیرد و وارث وی، تنها همسرش باشد، یک چهارم می برد و بقیه از امام است.

در ادامه فرض سوم {یک هشتم} که در حالتی که زوجه شوهرش فرزند نداشته باشد. {فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ (نساء، ۱۲)} و در حالی تعدد زوجات بدون وجود فرزند یک ثمن از ارث می برد.

فرض چهارم {یک ثلث} هنگامی که مادر است به شرطی که میت مطلقاً فرزند نداشته باشد و به شرطی که برادرهای متعددی نداشته باشد؛ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ (نساء، ۱۱). و همین سهمی در حالتی که برادر و خواهر مادری است که متعدد؛ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ (نساء، ۱۲).

فرض دوم {دو ثلث} به دو گروه اشاره می کند که اول دو دختر و بیشتر در صورتی که میت پسر نداشته باشد؛ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ (نساء، ۱۱). و دوم دو خواهر و بیشتر پدر و مادری است در صورتی که برادر پدر و مادری نباشد یا برادر پدر پدری نباشد؛ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ (نساء، ۱۷۶).

در آخرین فرض ششم {یک سدس} از سه تا گروه تشکیل می شود که در گروه اول مادر و پدر از فرزندان میت که فرزند دارد یک ششم از ارث می گیرند؛ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ (نساء، ۱۱). و گروه دوم مادر است که با وجود حاجب از ثلث یعنی فرزند و برادر در خواهر {وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ (نساء، ۱۱). و گروه سوم مال برادر و خواهر مادری است در صورتی که اینها از مادر متعددی نباشند {وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ (نساء، ۱۲)}.

همچنین اسلام نه تنها زوجه که با شوهرش عقد دائمی دارد بهش حق ارث اقرار می کند که بالا ذکر کرده بلکه اسلام حتی زنی که مطلقه رجعی باشد می تواند در زمان عده از شوهرش سهم ارث ببرد بر عکس زن مطلقه بائن. و اینجا روایات متعددی از اهل البیت (ع) در مورد این موضوع نقل شده که: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا طَلَّقَتِ الْمَرْأَةُ ثُمَّ تَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا وَ هِيَ فِي عِدَّةٍ مِنْهُ لَمْ تَحْرُمْ عَلَيْهَا تَرْتُهُ وَ هُوَ يَرِثُهَا مَا دَامَتْ فِي الدَّمِ مِنْ حَيْضَتِهَا الثَّانِيَةِ مِنَ التَّطْلِيقَتَيْنِ (كلینی، ۱۴۰۷: ۷/۱۳۳).

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ وَ هُوَ صَاحِبٌ لَا رَجْعَةَ لَهُ عَلَيْهَا لَمْ تَرْتُهُ وَ لَمْ يَرِثُهَا (همان: ۷/۱۳۴).

نتیجه:

در نتیجه در آیین و کتاب مقدس یهودیت نصی صریح و معین درباره ضرورت و حق زن در ارث بردن وجود ندارد و زن در این دین می تواند در حالت خاص و کمی و به سختی ارث به دست بگیرد و همچنان در دین مسیحیت که تابع تورات و احکام آن است . بر عکس اسلام که با استناد به کتاب مقدس تعالیم و روایات خود به طور صریح و دقیق و مفصل و محدود بحث اهمیت و ضرورت حق زن در ارث بردن اشاره و تاکید می کند.

منابع:

قرآن کریم

کتاب مقدس، چاپ انجمن پخش کتب مقدسه.

مقررات اصلاحی ارث کلیمیان جهان، مصوب ۱۳۵۵ .

تورات

راب.ا. کهن، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی.

یوسف بهنود، احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه.

عزت الله فهیمی، بررسی تطبیقی ارث اقلیتهای دینی در حقوق اسلام و ایران، دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۸۱، ضمائم پاسخهای انجمن کلیمیان تهران.

کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ طهران؛ ۱۴۰۷.